

تجزیه سیستان با هدف حفظ هند

۵ تیر ۱۳۹۷ ساعت ۱۷:۵۳

نقطه عطف نفوذ اقتصادی انگلیس در دوره قاجار با استقرار خطوط تلگراف در سیستان ایجاد شد که در نهایت به کسب امتیاز
اخذات خط ۱۱۰۰ مایلی در فوریه سال ۱۸۶۳ منجر گردید...

کافه تاریخ- مقالات

عصر قاجار با تمام تحولات سیاسی و اقتصادی خاص خود، از نظر تغییر مرزهای سیاسی و جغرافیایی نیز قابل توجه است. در این دوره، هر بار به بهانه‌های مختلف بخش‌هایی از کشور توسط بیگانگان جدا و به سایر کشورها ملحق گردید و البته در مواردی به صورت کشور مستقل درآمد. از جمله این بخش‌ها می‌توان به استان سیستان اشاره کرد که بخشی از آن از ایران جدا گردید. عامل اصلی این جدایی به مانند بسیاری از مسائل دیگر، سیاست‌های مداخله‌گر بزرگ یعنی انگلیس بود که در کنار بی‌لیاقتی دستگاه حکومت به اجرای سیاست‌های استعمارگرایی خود پرداختند. با این حال ماجرای این جدایی دلایل و داستان خاص خود را داشت که در این نوشته به آن دلایل و موضوعات پرداخته شده است.

بازی بزرگ و تجزیه بخش‌هایی از ایران

در اواخر دهه‌ی ۱۹۲۰ مناطق حائل بین روسیه و هندوستان، از جمله ایران بزرگ و آسیای مرکزی، صحنه رقابت قدرت‌های بزرگی چون روسیه و انگلیس گردیدند. مهم‌ترین اهداف روسیه در این مناطق ضربه زدن به بریتانیا از راه هندوستان، توسعه‌ی نفوذ سیاسی، اقتصادی و ژئوپلیتیکی روسیه در این مناطق و دستیابی به آبهای گرم بود. این رقابت ژئوپلیتیکی، که بعدها به بازی بزرگ مرسوم گردید، در تمامی قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به ضرر ممالک محروسه ایران و خراسان بزرگ آن زمان (که تحت حاکمیت و تابعیت ایران به شمار می‌رفت) و در جهت توسعه‌طلبی قدرت‌های رقیب در جریان بود. «۲ در واقع رویارویی روسیه و انگلیس در چارچوب بازی بزرگ روند بسیاری از اتفاقات همچون پیروزی مشروطه را تسهیل نمود، اما در مقابل پایه‌گذار اتفاقاتی چون گرفتن امتیارات سیاسی و اقتصادی فراوان و یا جدایی بخش‌های از کشور نیز گردید. از جمله این بخش‌های می‌توان به جدایی قسمتهایی از استان سیستان اشاره نمود که کمتر به آن پرداخته می‌شود.

جدایی سیستان از ایران

سیستان و بلوچستان یکی از استانهای مهم در مناطق جنوبی ایران بود که در جریان بازی بزرگ و رقابت روسیه و انگلیس اهمیت خاصی پیدا کرد. انگلیس این بخش را یکی از سدهای دفاعی مهم جهت حفظ منافع خود در هندوستان می‌دانست. از این رو در صدود با حربه‌های مختلف از جمله جداسازی آن از ایران، کنترل کامل خود را اعمال نماید. نقطه عطف نفوذ اقتصادی انگلیس در دوره قاجار با استقرار خطوط تلگراف در سیستان ایجاد شد که در نهایت به کسب امتیاز اخذات خط ۱۱۰۰ مایلی در فوریه سال ۱۸۶۳ منجر گردید. با کسب این امتیاز، حضور صاحب‌منصبان انگلیسی مکمل نقش نمایندگیهای سیاسی دولت متبوعشان شد؛ زیرا به واسطه وسعت و کثرت مناطق تحت نفوذ و اقامتهای طولانی در ایران، اطلاعات دقیقی از اوضاع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، جغرافیایی و... حوزه‌های مأموریتشان به دست می‌آوردند که ارزش بسیاری داشته چنانکه یکی از آنان به نام گولدسمیت، تأثیر مهمی در تعیین سرحدات ایران در نواحی شرقی و تقسیم **سیستان و بلوچستان** به نفع انگلستان داشت. ۳ البته انگلیس پیش از این و در زمان محمدشاه با کسب اطلاعات دقیق از منطقه بلوچستان، تلاش‌هایی را جهت تحریک مردم، افزایش نفوذ خود نموده بود؛ اما وقتی نتوانست از این طریق به اهداف خود دست یابد از طریق سایر روشها همچون کسب امتیازات سیاسی و اقتصادی، شانس خود را به آزمون گذارد. با این حال مطامع انگلیس در بلوچستان تنها به موضوع خطوط تلگراف محدود نماند؛ و با توجه به تحولات سیاسی همچون پیشرفت روسیه به سوی هند افزایش یافت، با پیشروی روسیه به هند، تلاشهای انگلیس نیز جهت تسلط بر سیستان رنگ و بوی دیگری گرفت.

پیشروی روسیه بسوی هند و تلاش انگلیس در سیستان

روسیه در زمان الکساندر دوم پیشروی خوبی را به سمت هندوستان آغاز نمود و همین موضوع باعث وحشت انگلیس گردید. در این شرایط انگلیس با تشکیل کمیسیون داوری تلاش نمود تا به موضوع سیستان رسیدگی نماید. البته این کمیسیون به دنبال اختلافات ایران و افغانستان بر سر سیستان و تصرف بخشهایی از آن توسط شیرعلی خان حاکم افغانستان شکل گرفت. بعد از این اتفاق ایران سریعاً مناطق تصرفی را بازپس گرفت و پس از آن شیرعلی خان از انگلیس تقاضای حکمیت نمود. درخواست امیر افغان شیر علی خان مبنی بر مداخله بریتانیا در اختلافات مرزی با ایران فرصت مناسبی برای حکومت هند بود تا خط مرزی بلوچستان را که مدتها در پی تعیین آن بودند نیز مشخص کنند. ۴ انگلیس هم که در آن شرایط از پیشروی روسیه نگران بود و از سویی درصد افزایش نفوذ خود در سیستان بود، از فرصت پیش آمده استفاده کرد و کمیسیون داوری را شکل داد. ریاست کمیسیون را فردی به نام فردریک گلداسمیت بر عهده داشت که به نوعی نماینده انگلیس نیز محسوب می‌شد. نماینده ایران هم در این کمیسیون میرزاملکم خان ناظم‌الدوله بود. طی دیدارهایی که میان نمایندگان دو طرف صورت گرفت، سیستان تقسیم شد و قسمت‌هایی از آن به افغانستان تعلق یافت و رود هیرمند نیز به عنوان مرز دو سیستان تعیین شد. با این حال حکمیت گلداسمیت علیرغم جدایی بخشهایی از ایران، به اختلافات دو کشور پایان نبخشید و به دنبال «بروز اختلاف میان مرزنشینان افغانی و سیستانی و خراب کردن سدآبی در سیستان توسط افغان‌ها، دولت ایران که اجازه برقراری امنیت و دفع دشمن را در مرز نداشت از

انگلستان تقاضای حکمیت در مورد آب هیرمند کرد. دولت انگلیس هم بدون تعلل مک ماهون را در ۱۹۰۲ م / ۱۲۸۱ روانه ایران ساخت.» ۵

هرچند بعد از طرح اختلافات و پیش از رسیدن ماهون، دو کشور در مورد اختلافات خود به توافق رسیدند؛ اما انگلیس بدون توجه به این موضوع، ماهون رو به ادامه مأموریت خود تشویق نمود. بر این اساس، انگلیس سیاست ایجاد اختلاف و تشکیل بحران مصنوعی در سیستان را در دستور کار خود قرار داد. به دنبال بحران ایجاد شده که کمبود مواد غذایی همچون گندم و نان را به دنبال داشت، بسیاری از حکام محلی سیستان جذب سیاست انگلیس گشتند. البته در پی شورشهایی که در سیستان در اعتراض به فقر و گرانی رخ داد، انگلیس از سوی امین‌السلطان مأمور سرکوب شورش گردید که همین موضوع نیز در زمینه‌سازی برای نفوذ انگلیس مؤثر بود؛ زیرا باعث شد تا انگلیس اقتدار خود را به نمایش مردم بگذارد. با این حال با مناسب شدن شرایط، ماهون حکم خود را صادر کرد و بر این اساس، دو سوم آب هیرمند را هم به افغان‌ها داد. در واقع او حکم نابودی سیستان را صادر کرد. حکم او با مخالفت دولت ایران روبه رو شد؛ اما انگلیس بدون توجه به این موضوع رأی خود را نهایی و باعث جدایی بخشهایی از سیستان گردید. ۶

فهرست منابع

۱. دره میرحیدر، «رقابت‌های ژئوپلیتیکی تأثیر گذار بر ضلع جنوب شرقی ایران بزرگ و عملکرد حکومت قاجار» پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۱۳۹۱، شماره ۸۰، ص ۲۲
۲. عمران راستی، میراث خراسان بزرگ از بازی ژئوپلیتیکی «بازی بزرگ»، مطالعات فرهنگی و اجتماعی خراسان، بهار ۱۳۹۰، شماره ۱۹، ص ۳۴
۳. [رقیه میرابوالقاسمی، دانشنامه جهان اسلام، نخستین دستگاه مخابراتی در ایران، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، شماره ۳۸۳۹](#)
۴. عبدالودود سپاهی، ایران و استعمار انگلیس (مجموعه سخنرانیها، میزگرد و مقالات، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی ۱۳۸۸ و ر، ک: پیروز مجتهدزاده، امیران مرزدار و مرزهای خاوری ایران، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی نوری، تهران، شیراز، ۱۳۷۸، ص ۳۴۶
۵. آزیتا لقائی، «نقشه انگلیس برای تجزیه سیستان در آستانه مشروطه» روزنامه دنیای اقتصاد، ۲/۷/۱۳۹۲، شماره خبر ۷۵۳۹۸۷
۶. لقائی، همان

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/37038/بند-حفظ-هدف-سيستاز-تجزيه>